



گفت وگو

قدم زدن کنار ساحل پرتلاطم نوجوانی

نگاه مشاوران جوان به مسائل «مدرسه»

گفت وگو با امین میرموسوی

گفت وگو: زهرا نظری

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

کلیدواژه‌ها: کودک، نوجوان، مشاور تحصیلی.

• آیا تمام مدارس ابتدایی مشاور دارند و جایگاه مشاوره در ابتدایی چگونه است؟

- تا آنجا که من اطلاع دارم، حتی مدارس راهنمایی مانیز به‌طور کامل نیروی مشاور ندارند اما اخیراً اقداماتی در این زمینه انجام شده است. در تعدادی از مدارس ابتدایی نیروها به‌صورت غیررسمی فعالیت می‌کنند و آموزش و پرورش همانند دوره‌های دیگر نیروهای رسمی را برای این دوره جذب نکرده است. در مورد جایگاه مشاوره در دوره ابتدایی باید گفت بدون شک بسیاری از مدارس به ارائه خدمات مشاوره‌ای در این دوره نیاز دارند. شاید تشخیص و درک مسائل روحی و روانی و مشکلات رفتاری و عاطفی کودکان در دوره ابتدایی سخت‌تر باشد اما با کمک کردن به خانواده‌ها و دادن آموزش و آگاهی به آن‌ها از شدت مشکلات کاسته می‌شود.

من معتقدم که کار ما در دوره ابتدایی دو بعد دارد: بعد آموزشی و بعد درمانی. با توجه به مشکلاتی که در دوره ابتدایی وجود دارد، به نظر می‌رسد که اولویت اصلی کار مشاوران، آموزش، آگاهی دادن و اطلاع‌رسانی به خانواده‌هاست. ما با آموزش مفاهیم اخلاقی، روان‌شناسی و بحث ارتقای بهداشت روان مواجهیم. البته در دوره ابتدایی در بحث آموزش و حتی درمان کار ما کمی سخت‌تر می‌شود؛ چون می‌بایست از روش‌های عینی‌تر بهره ببریم. اجازه بدهید مثالی بزنم؛ فرض کنید می‌خواهیم به گروهی از بزرگسالان یکی از مهارت‌های زندگی مثل حل مسئله را آموزش دهیم یا برای این که از مسائل اخلاقی، که از پیچیده‌ترین مؤلفه‌های رفتاری و شناختی است، سخن بگوییم طبیعی است که نمی‌توانیم به همان زبان و لحن بزرگسالان سخن بگوییم و می‌بایست به شکلی ملموس‌تر و عینی‌تر صحبت کنیم. بنابراین، مشاور در دوره ابتدایی باید از هنر و خلاقیت فردی خود کمک بگیرد.

در بعد درمانی کار ما به درمان کودک و در صورت نیاز به مداخله درمانی خانواده معطوف می‌شود.

• به نظر می‌رسد که مشاوران دوره ابتدایی باید ویژگی‌های خاصی داشته باشند؛ نظر شما چیست؟

- بله من ضمن این که از یک سو بر خلاقانه کار کردن، منعطف بودن و

• دانش آموخته کدام دانشگاه‌اید؟ در مورد رشته و دوره‌های تحصیلی خود بگویید!

من امین میرموسوی فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته مشاوره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و و کارشناس رشته مشاوره از دانشگاه علامه طباطبایی هستم.

• چند سال است که در کار مشاوره مشغول هستید؟

حیطه‌های کاری من هم مانند بعضی از مشاوران از آموزش و پرورش شروع شده است. من در دوره لیسانس اولین کارورزی را در دبیرستان و بعدی را در راهنمایی گذراندم و به‌طور کلی ۷ سال است که مشغول به کارم. در مراکز مشاوره در خارج از آموزش و پرورش نیز فعالیت می‌کنم و عضو سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره هستم. در حوزه‌های پژوهشی و علمی نیز فعالیت‌هایی کرده‌ام و در حال حاضر در مدارس ابتدایی مشغول به کارم.

• با مجله رشد مشاور مدرسه چه مدت آشنا هستید؟ کیفیت آن را چگونه می‌بینید؟

چند سال است که با این مجله کم و بیش آشنا هستم و در ۳، ۴ سال اخیر آن را به‌طور مداوم مطالعه می‌کنم. مطالعه این مجله به من بینش جدیدی می‌دهد. این مجله از مجلاتی است که تمام بخش‌هایش جذاب و خواندنی است.

• اشاره کردید که در دوره ابتدایی مشغول به کار هستید. چند سال است که در این دوره کار می‌کنید؟

۴ سال است که در این دوره فعالیت می‌کنم. این دوره دغدغه‌های خاص خود را دارد. ما در دانش‌آموزان دوره‌های بالاتر با مسائلی مواجه می‌شویم که شاید بتوان گفت ریشه اصلی آن‌ها در این دوره است. من هنگام کار در دوره دبیرستان با مسائلی مواجه می‌شدم که ضرورت مشاوره در دوره‌های پایین‌تر را آشکار می‌ساخت. بسیاری از مشکلاتی که دانش‌آموزان و خانواده‌ها در سنین بالاتر با آن مواجه‌اند، به سنین کودکی برمی‌گردند.

حتی اگر مشاوره مدرک مشاوره تحصیلی داشته باشد، باید با مبانی، تئوری‌ها و تکنیک‌های درمان در خانواده آشنا باشد. بنابراین، تلفیقی از رویکردهای درمانی در حوزه مشاوره تحصیلی و خانواده به مشاور کمک شایانی می‌کند

نخست هنوز بر داشته نشده است و در این زمینه مشکلاتی وجود دارد.

● فعالیت‌های مشاوره‌ای شما به عنوان یک مشاور مدرسه ابتدایی بیشتر

در چه حوزه‌ای است؟ مشاوره تحصیلی یا مشاوره خانواده؟

- فعالیت‌های مشاوره‌ای ما در آموزش و پرورش بیشتر در حوزه تحصیلی در نظر گرفته می‌شود اما در بسیاری از مواقع، مراجعان ما خانواده‌ها هستند. به هر حال، تمام تلاش من این است که کودک را با تمام مسائل و مشکلاتی که دارد، در دل خانواده ببینم. به نظر من الگوهای تعاملی خانواده بر وضعیت تحصیلی، شناختی و عاطفی کودک اثر مهمی می‌گذارند؛ به همین دلیل نمی‌توانم بگویم فعالیت مشاوره‌ای ما صرفاً مشاوره تحصیلی است. حتی اگر مشاوره مدرک مشاوره تحصیلی داشته باشد، باید با مبانی، تئوری‌ها و تکنیک‌های درمان در خانواده آشنا باشد. بنابراین، تلفیقی از رویکردهای درمانی در حوزه مشاوره تحصیلی و خانواده به مشاور کمک شایانی می‌کند.

● شما در این دوره بیشتر با چه مشکلاتی مواجه هستید؟

- به دلیل نبود برنامه‌ای منسجم و دقیق برای نیروهای مشاوره‌ای در مدارس ابتدایی، در حوزه کاری ما سردرگمی وجود دارد. جایگاه ما جایگاهی تعریف شده نیست. ضمن این که از مسئولان آموزش و پرورش درخواست می‌کنیم تا در زمینه حل مشکلات ما تدابیری خاص ببندیشند. ما نیز تلاش می‌کنیم جایگاه خود را پیدا کنیم و برای همین منظور می‌کوشیم تعامل بیشتری با شوراها و جلسات اولیا و مربیان درباره اهمیت کار خود داشته باشیم، با همکاران و دانش‌آموزان نیز ارتباط بهتری برقرار کنیم و از تجربه‌های علمی و روحیه فعال همکاران استفاده کنیم.

● موفقیت مشاوران در چیست؟

- یادم می‌آید در همین مجله و در شماره‌های پیشین مقاله‌ای چاپ شده بود که در آن مشاوره یک «سرمایه اجتماعی» و پدیده‌ای تعریف شده بود که با مصرف بیشتر افزایش می‌یابد و با مصرف کمتر در معرض استهلاک بیشتری قرار می‌گیرد. از این زاویه دید، مشاور باید برای ارتقای سطح کارآمدی خود در روابط بین فردی با نهادها و شبکه‌های اجتماعی بکوشد و با توجه به تحولات جامعه بینش خود را به‌روز کند.

طبیعی

آگاهی داشتن مشاوران از رویکردهای مختلف درمانی تأکید دارم، از سوی دیگر برای ایجاد یک رابطه خوب و منطقی با مراجع، که کودک است، اهمیت زیادی قائم. یکی از مشکلاتی که ما کار با کودک داریم، این است که کودک برخلاف مراجعین دیگر برای آمدن نزد مشاور انگیزه کافی ندارد و معمولاً اولیا یا مسئولان مدرسه او را به مشاور ارجاع می‌دهند که این موضوع به رابطه مشاوره‌ای بین ما و کودک لطمه وارد می‌کند. ما باید سعی کنیم که به طور صادقانه کودک را در فرآیند درمانی جذب کنیم.

مشاوران برای ایجاد ارتباط به توانمندی خود تکیه می‌کنند؛ در هنگام برقراری ارتباط ما لحن رسمی، جدی و سرزنش‌گر به کار نمی‌بریم. ارتباط باید به شکلی صمیمانه برقرار شود. در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان، که سن دانش‌آموزان بالاتر است، روال کاری این است که مشاور در ابتدای سال تحصیلی خود را به دانش‌آموزان معرفی می‌کند و حیطه‌های کاری و وظایفش را برای آن‌ها شرح می‌دهد اما در دوره ابتدایی کار کمی متفاوت است. یادم می‌آید که یک سال به‌منظور جا انداختن نقش مشاور در میان کودکان در دوره ابتدایی از نمایش عروسکی استفاده کردم. در این دوره برای برقراری ارتباط مؤثر با کودکان سعی می‌کنیم مفاهیم را به روشی ساده، عینی و ملموس در ذهن کودک جا بیندازیم.

● آیا در مدارس ابتدایی فضایی مناسب به مشاور اختصاص داده می‌شود؟ اگر وجود دارد کیفیت آن چگونه است؟

- اختصاص دادن چنین فضایی به نگرش مسئولان مدرسه و امکانات بستگی دارد. اگر مدیر و مسئولان مدرسه نگاه مثبت و جدی به مشاوره داشته باشند، معمولاً در صدد پیدا کردن یک فضای مناسب برمی‌آیند اما این الزاماً بدان معنا نیست که همه مدارس این امکانات را داشته باشند. متأسفانه بعضی مدارس، مشاوره را پرکننده خلأهای برنامه‌های خود می‌بینند و نگاهشان در مورد فضای مناسب مشاوره‌ای نیز چنین است. به نظر می‌رسد که برای امکانات در نظر گرفته شده پیش‌بینی خاصی صورت نگرفته و برنامه‌ریزی دقیقی نشده است.

● آیا در زمینه پذیرش مشاور در دوره ابتدایی تدابیری اندیشیده شده است و یا برنامه‌ای در دست اقدام هست؟

- در حد صحبت زیاد شنیده‌ام؛ در جلسه‌ای که در یکی از مناطق تهران برگزار شد، صحبت‌های زیادی در مورد ضرورت مشاوره در تمام دوره‌های تحصیلی شد اما این که به صورت عملی اقدامی خاص صورت گرفته باشد، در جریان نیست.

● با آن که همه مدارس ابتدایی مشاور ندارند و لیکن آموزش و پرورش در حوزه کاری و جذب مشاوران پیش‌بینی‌هایی کرده است، روال کاری مشاوران در این دوره چگونه است؟

- از آن جا که برنامه‌ریزی مدونی وجود ندارد، بعید به نظر می‌رسد که ساعات مشخصی به عنوان ساعات موظف مشاوران در نظر گرفته شود. ظاهراً آگام‌های

یکی از مشکلاتی که ما درباره کار با کودک داریم، این است که کودک برخلاف مراجعین دیگر برای آمدن نزد مشاور انگیزه کافی ندارد و معمولاً اولیا یا مسئولان مدرسه او را به مشاور ارجاع می‌دهند

• آیا آموزش و پرورش در بعد درمان و آموزش، کلاس‌های ضمن خدمت برای مشاوران در نظر گرفته است؟

- من بارها متوجه شده‌ام که آموزش و پرورش برای مشکلاتی مثل اختلالات یادگیری دوره‌های ضمن خدمت برگزار کرده اما نشنیده‌ام که برای مشکلات رفتاری، عاطفی و شناختی کودکان، دوره‌های ضمن خدمت برگزار کرده باشد.

• آیا برای آشنایی معلمان با مشکلات رفتاری و یادگیری کودکان دوره‌هایی از سوی آموزش و پرورش برگزار شده است؟

- تا آن‌جا که من اطلاع دارم، دوره‌هایی برای معلمان و مشاوران برگزار شده است اما این دوره‌ها به صورت رسمی و فراگیر نبوده‌اند. آموزش و پرورش برای تشخیص و تعیین میزان شیوع مشکلات در مناطق مختلف کشور پروژه‌های پژوهشی زیادی انجام داده است.

• تشخیص اولیه بیشتر توسط چه کسانی در مدارس صورت می‌گیرد: اولیا یا معلمان؟

- تشخیص الزاماً کار یک نفر نیست. در بحث سنجش و با کمک ابزارهای سنجشی ما از والدین و معلمان کمک می‌گیریم. وقتی دانش آموزی با مشکلی مواجه می‌شود، گاهی اوقات ابتدا معلم متوجه می‌شود و دانش آموز را ارجاع می‌دهد. در زمینه اختلالات یادگیری، اغلب، معلمان دانش آموزان را به مشاور ارجاع می‌دهند اما در زمینه مشکلات رفتاری بیشتر خانواده‌ها و مدیر و معاونان مدرسه، گاهی معلمان عزیز با ارزیابی یک یا دو رفتار در کودک، خانواده را هراسان به من ارجاع می‌دهند؛ مثلاً کودکی که تحرک زیادی دارد، با برجسب بیش‌فعالی به من ارجاع داده می‌شود و پس از بررسی مشخص می‌شود که این کودک بیش‌فعالی ندارد و آن اقتضای شرایط رشد بچه است!

• عمده‌ترین مشکلات کودکان در مدارس ابتدایی چیست؟

- به طور کلی ما با مسائل رفتاری، سازشی، و مشکلات یادگیری کودکان مواجه هستیم. کودکی که اختلال یادگیری دارد، دچار ناتوانی در یادگیری و مستعد بروز مشکلات رفتاری است. کودکی که دچار کمبود توجه در یادگیری است، احتمالاً با بی‌قراری‌هایش، مشکلات رفتاری ایجاد می‌کند و برعکس، اگر کودکی مشکل رفتاری داشته باشد، خشم خود را در کلاس نشان می‌دهد و باعث برهم‌زدن نظم کلاس و ایجاد مشکلاتی برای خود و دانش آموزان دیگر می‌شود.

برای مثال، در سال تحصیلی ۸۶-۸۵، در زمینه برآورد مشکلات رفتاری کودکان پژوهش‌هایی انجام شد و میزان شیوع مشکلات رفتاری کودکان ۲۴ درصد برآورد گردید. در پژوهش دیگری که در شهر نیشابور در استان خراسان انجام شده، میزان شیوع اختلالات رفتاری کودکان در این شهر ۱۴ درصد برآورد شده است. به هر حال، در دوره ابتدایی طبق پژوهش‌های انجام شده میزان شیوع مشکلات رفتاری بین ۵ تا ۱۴ درصد و نمونه‌های فراگیرتر تا ۲۰ درصد برآورد شده است.

نکته مهم این است که مشکلات رفتاری در کودکان باعث بروز رفتارهای نابهنجار در مدرسه و بر هم زدن نظم

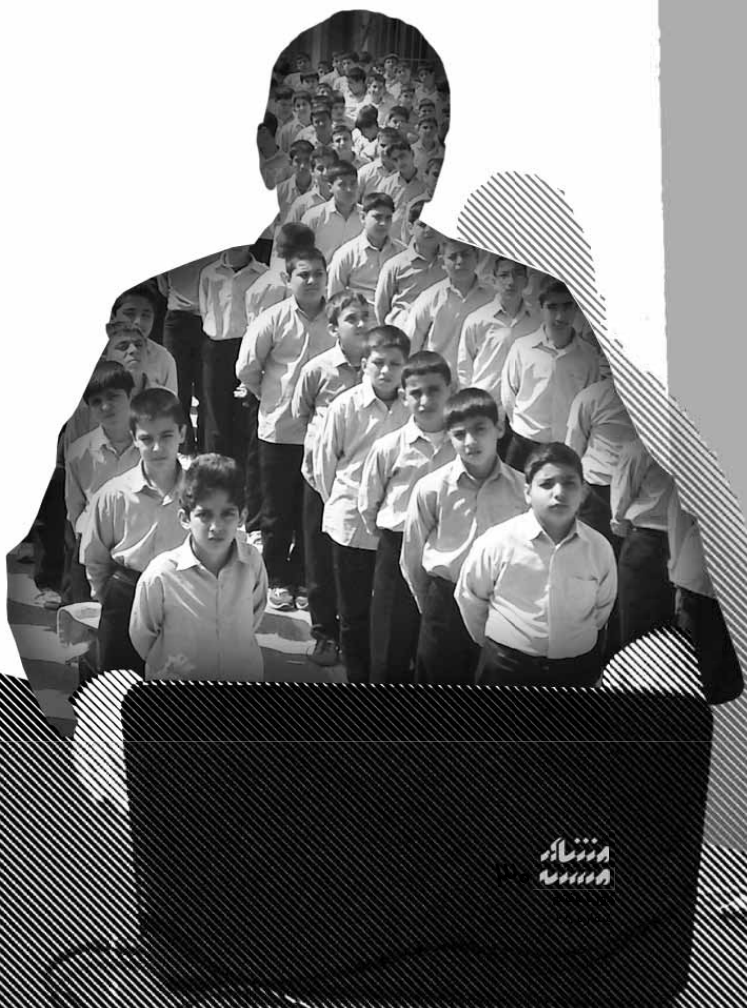
است که چنین مشاوره‌ای از احساسات، نگرانی‌ها و دغدغه‌های مراجعان خود آگاهی می‌یابد.

• نحوه همکاری مسئولان مدرسه با شما چگونه است؟

- در مدرسه‌ای که من کار می‌کنم، بسیار عالی است. من روی نقش مدیر تأکید زیادی دارم.

• در صحبت‌های قبلی به ارتباط مؤثر خود و مراجع (کودک) اشاره کردید. این ارتباط به چه شیوه‌ای می‌تواند اثرگذار باشد؟

- دنیایی که کودک در آن زندگی می‌کند، عینی و ملموس است. پس برای ارتباط با کودک بهتر است از روش‌های عینی‌تر و مهارت‌های مختلف بهره ببریم و آگاهی‌مان را در این زمینه افزایش دهیم. من معتقدم که مشاوران و روان‌شناسان در دوره ابتدایی باید با ادبیات کودکان آشنا باشند و تصاویر، داستان‌ها، قصه‌های عامیانه، ایفای نقش و منظومه‌های داستانی را که با ریتم و آهنگ همراه‌اند، در جای مناسب به کار برند و مفاهیم را به شکلی ساده و روان برای کودک جا بیندازند. من در این مدت از آثار بزرگان بسیاری بهره بردم. با طرح‌هایی که به مدرسه می‌دهم، سعی می‌کنم در راه جذب کودکان قدم‌های مؤثرتری بردارم. اگر مشاور از حوزه‌های هنری و ادبی اطلاع داشته باشد و آن‌ها را به کار گیرد، می‌تواند مهارت‌های تشخیصی و درمانی خود را ارتقا دهد. بنابراین باید در فکر تدارک یک الگوی عملی برای آموزش و درمان کودک و خانواده‌های آن‌ها باشیم.



فعالیت‌های مشاوره‌ای ما در آموزش و پرورش بیشتر در حوزه تحصیلی در نظر گرفته می‌شود اما در بسیاری از مواقع، مراجعان ما خانواده‌ها هستند. به هر حال، تمام تلاش من این است که کودک را با تمام مسائل و مشکلاتی که دارد، در دل خانواده ببینیم

● نیازهای مشاوران در دوره ابتدایی چیست؟

- به نظر من، نیاز عمده مشاوران آشنایی بیشتر با تئوری‌های درمانی، شرکت در کارگاه‌های آموزشی تخصصی و افزایش مهارت‌های عملی است. آموزش و پرورش می‌تواند در زمینه ارتقای سطح علمی مشاوران دوره‌های آموزشی و عملی به شکل کارورزی‌های عملی توسط استادان بزرگ و برجسته در حوزه مشاوره و روان‌شناسی برگزار کند تا به شکلی تخصصی روی مشکلات کار شود و برای هر مشکل خاص متخصصانی متبحر پرورش یابند.

● در دوره دبیرستان هر دانش آموزی یک پرونده مشاوره‌ای دارد. آیا تشکیل پرونده مشاوره‌ای برای هر دانش آموز در دوره ابتدایی نیز صورت می‌گیرد؟

- در این دوره چون فعالیت‌های مشاوران به شکل رسمی نیست، ممکن است این پرونده‌ها تشکیل نشود اما خود من برای هر دانش آموز پرونده مشاوره‌ای تشکیل می‌دهم و اطلاعات مربوط به او را در آن ثبت می‌کنم. ثبت اطلاعات مربوط به تحولات رشدی برای من اهمیت بسیاری دارد.

● منظور از تحولات رشدی چیست؟

- تحولات رشدی از زمان بارداری، بدو تولد و بعد از تولد می‌تواند زمینه‌ساز بروز مشکلات رفتاری و یادگیری‌های نابه‌نجار در کودکان باشد. جمع‌آوری اطلاعات از سال‌های اولیه کودکی، مراقبت از کودک در این سال‌ها، سابقه بیماری‌های جسمی، تولدهای زودرس، تأخیرهای رشدی از جمله تأخیر در تکلم، نشستن، راه رفتن و... در زمینه تشخیص و درمان می‌تواند به ما کمک کند.

● نظر شما در مورد طرح سنجش آغازین در دوره ابتدایی چیست؟ آیا شما از نتایج این طرح در مورد دانش‌آموزان آگاهی دارید؟

- بله، نتایج این طرح ثبت می‌شود. در بسیاری مواقع این اطلاعات به من کمک زیادی کرده و من از وضعیت دانش‌آموز آگاهی بیشتری پیدا کرده‌ام. به نظر من، اگر بین پایگاه‌های سنجش سلامت کودکان و روان‌شناسان رابطی برقرار شود، نتیجه خیلی بهتر خواهد بود. پایگاه سنجش سلامت کودک می‌تواند برای هر دانش‌آموز پرونده‌ای با تفصیل بیشتر تشکیل دهد که بخشی از آن مختص ارزیابی روان‌شناس کودک باشد.

● توصیه شما به همکاران چیست؟

- تأکید من روی تجربه علمی و روحیه فعال همکاران است. متأسفانه بعضی از همکاران به بهانه انگیزه‌های پایین و مادی، چند شغله بودن و تلاش‌هایی که احیاناً معطوف به زندگی فردی و خانوادگی‌شان است، در تعامل با دانش‌آموزان صبر و حوصله کافی به خرج نمی‌دهد. توصیه من این است که مشاوران دوره ابتدایی طوری وارد جمع بچه‌ها شوند که آن‌ها را به راحتی بپذیرند. مشاوران باید بتوانند رابطی‌ای شاد، صمیمی و با نشاط با بچه‌ها برقرار کنند. در نهایت، توانایی ایجاد ارتباط توسط همکاران را در دوره‌های بالاتر هم از موارد دیگر می‌دانم.

و آرامش کلاس و کودکان دیگر می‌شود.

در زمینه اختلالات یادگیری، با اختلال خواندن، دیکته و ریاضی در کودکان مواجه هستیم. اختلال دیگری که شیوع آن تقریباً زیاد است، اختلال بیش‌فعالی است که با کمبود توجه و تمرکز در کودکان همراه است. میزان شیوع این اختلال در پسران بیشتر از دختران است.

● ضرورت آموزش خانواده در جهت آشنایی آن‌ها با مشکلات رفتاری و اختلالات یادگیری چقدر است و مشاوران چگونه می‌توانند به شیوه‌ای مؤثرتر عمل کنند؟

- وقتی بحث آموزش مطرح می‌شود، خانواده‌ها استقبال خوبی دارند. تصور من این است که گام نخست، تعریف و شناساندن مشکل به خانواده‌ها و حتی معلمان است. یکی از دلایل ضرورت آموزش خانواده این است که گاهی خانواده‌ها، به خصوص والدین جوان، به دلیل حساسیت‌های زیاد به دنبال مشکل در کودک خود می‌گردند. بهتر است که این حساسیت‌ها به موقع و به جا به کار روند. متأسفانه بعضی خانواده‌ها سعی می‌کنند کودک را تک‌بعدی پرورش دهند. در حالی که امروزه محیط زندگی و ارتباطات بین فردی و مسائل درون فردی و برون فردی بسیار پیچیده و چند وجهی و گسترده شده است. بنابراین باید احساسات، عواطف و توانایی‌های عمومی و هوش هیجانی کودکان ما پرورش یابد. ما باید این آموزش‌ها را از سنین پایین‌تر شروع کنیم.

● آیا مشاوران در زمینه درمان مشکلات، از جمله اختلالات یادگیری، به شکلی ویژه کار می‌کنند و دستورالعمل خاصی در این حیطه وجود دارد؟

- به نظر می‌رسد که مهارت درمانگر در درمان بسیار مهم است. مشاوران آموزش و پرورش با خلاقیت و توانایی‌های فردی و مهارت‌های تشخیصی و درمانی خود عمل می‌کنند. در زمینه درمان مشکلات بهتر است که ما حتی در اقدامی پیشگیرانه روی خانواده‌ها کار کنیم و به آن‌ها آموزش دهیم. برای مثال، وقتی کودکی بیش‌فعال تشخیص داده می‌شود، لازم است که نحوه برقراری ارتباط با او را به شکلی مؤثر و درست به خانواده آموزش دهیم. در زمینه درمان اختلالات من در درمانگاه که خدمت می‌کنم، نظریات ماریا مونته‌سوری را به کار می‌برم که معتقد است باید به نقش حواس توجه کرد. در کار با کودکان با نیازهای ویژه و خاص حس لامسه، شنیداری و دیداری و حافظه دیداری و شنیداری آن‌ها را فعال می‌کنیم تا یادگیری به بهترین نحو اتفاق بیفتد.

همان‌طور که در ابتدای صحبت‌هایم اشاره کردم، چون در دوره ابتدایی نیروهای مشاوره‌ای به شکلی متمرکز و رسمی فعالیت نمی‌کنند، ممکن است در زمینه درمان اختلالات خاص در مدارس مشاورانی متخصص وجود نداشته باشد و از طرفی مشاوران در مدرسه امکان درمان ندارند. ضروری است که آموزش و پرورش با مسئولان مدارس ابتدایی ارتباطی فعال‌تر ایجاد کند و کودکان دارای اختلالات خاص از طریق مدارس به مراکز مشاوره‌ای مورد تایید و صاحب صلاحیت که در مناطق مختلف وجود دارد، ارجاع داده شوند.